



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و تمدن اسلامی

گروه تاریخ تشیع

عنوان پایان نامه

سیره اقتصادی امام علی (ع) در دوران حکومت

دانشجو: علی مستجاب الدعوه

استاد راهنما: دکتر محمود مهدوی دامغانی

استاد مشاور: دکتر محمد صادق واحدی فرد

شهریور ۱۳۹۰



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات

مرکز مشهد

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و تمدن اسلامی

گروه تاریخ تشیع

عنوان پایان نامه

سیره اقتصادی امام علی (ع) در دوران حکومت

دانشجو: علی مستجاب الدعوه

استاد راهنما: دکتر محمود مهدوی دامغانی

استاد مشاور: دکتر محمد صادق واحدی فرد

شهریور ۱۳۹۰

سپاسگزاری

پروردگار را شاکر و سپاسگزارم که به بنده توفیق داد این تحقیق را آغاز نموده و به انجام برسانم.

از استاد راهنمایم، دانشمندگرانقدر، جناب آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی، که هر وقت در خواست می کردم کریمانه وقت ارزشمند خود را به بنده اختصاص می دادند و بیش از آنچه می پرسیدم راهنمایی‌های سودمندی را ارائه می کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.

از استاد مشاور، جناب آقای دکتر محمد صادق واحدی فرد که در تمامی مراجعاتم به ایشان با سعه صدر به سوالاتم پاسخ داده و تدرکات مفیدی را جهت غنای کار تحقیق مطرح می کردند نهایت سپاس و تشکر را دارم.

چکیده

شناخت سیره پیشوایان دینی به عنوان الگوهای کامل و ایده آلهای انسانی، ضرورت همه ی عصرهاست. این شناخت هنگامی دقت و وضوح می یابد و الگوی عمل مناسبی ترسیم می نماید که بتوان سیره آن بزرگواران را به موضوعات متعددی تقسیم نموده و هر موضوع را جداگانه و به صورت اختصاصی مورد بررسی و پژوهش قرارداد.

این پژوهش درصدد ترسیم چهره اقتصادی امام(ع) در دوره ی زندگی پرتلاش آنحضرت باهدف نمایاندن الگویی کامل، برای رفتارها و شیوه های اقتصادی در زندگی فردی و جمعی و حکومتی می باشد. برای انجام کار از روش تحقیق اسنادی یا کتابخانه ای و مراجعه به منابع و تحقیقات استفاده شده است. زندگی اقتصادی امام علی(ع) (موضوع تحقیق بعضی دیگر قرار گرفته است که هیچ یک از آنها جامعیت پژوهش حاضر را نداشته اند.

نتایج و یافته های تحقیق عبارتند از:

- الف - امام علی(ع) به مسایل اقتصادی بسیار اهمیت داده و خود در کار اقتصادی فعال و پرتلاش بوده اند.
- ب - امام(ع) در زمینه مصرف و تولید، کمترین مصرف و بیشترین تولید را داشته اند.
- ج - هدف امام(ع) در تمامی فعالیت های اقتصادی، کسب رضایت پروردگار بوده نه سود بیشتر.
- د - هدف مهم امام(ع) در دوران حکومت برقراری عدالت اقتصادی بوده است.
- ح - امام(ع) در برنامه های اقتصادی علاوه بر محرومیت زدایی به رشد و توسعه نیز توجه داشته اند.

کلید واژه های تحقیق:

امام علی بن ابی طالب(ع) - سیره - اقتصاد - حکومت

فهرست

پیشگفتار.....	۱
فصل یکم	
وضعیت اقتصادی اعراب قبل از ظهور اسلام.....	۴
مقدمه.....	۴
۱-۱. کشاورزی.....	۶
۲-۱. دامداری.....	۷
۳-۱. تجارت.....	۸
۴-۱. دیگر فعالیتهای اقتصادی.....	۱۳
۵-۱. روابط اقتصادی اعراب قبل از اسلام.....	۱۳
۱-۵-۱. رباخواری.....	۱۳
۲-۵-۱. برده داری.....	۱۴
۳-۵-۱. غارت و چپاولگری :.....	۱۴
فصل دوم	
سیاست ها و اهداف اقتصادی پیامبر(ص).....	۱۶
مقدمه.....	۱۶
۲- ۱-۱. سیاست اعتدال در توجه به دنیا.....	۱۷
۲- ۱-۲. سیاست رشد و توسعه اقتصادی.....	۲۰
۲- ۱-۲-۱. سیاست اهمیت دادن به کار.....	۲۱
۲- ۱-۲-۲. سیاست های تحریمی و تحدیدی.....	۲۲
۲- ۲. اهداف اقتصادی پیامبر(ص).....	۲۴
۲- ۲- ۱. ترویج و تبلیغ دین اسلام.....	۲۵
۲- ۲- ۲. کارآیی نظام اداری و قضایی.....	۲۶
۲- ۲- ۳. برقراری امنیت اقتصادی.....	۲۷
۲- ۲- ۴. عدالت اقتصادی.....	۲۸

۳۰ رفاه عمومی ۵-۲-۲

۳۱ سرمایه گذاری زیربنایی و اشتغال ۶-۲-۲

۳۳ ترویج علوم و فنون ۷-۲-۲

فصل سوم

۳۶ وضعیت اقتصادی در دوران سه خلیفه اول

۳۶ مقدمه

۳۷ ۱-۳. تقسیم بیت المال

۳۸ ۲-۳. تبعیض در توزیع بیت المال

۳۹ ۱-۲-۳. تقویت بینش دنیاگرایی

۳۹ ۲-۲-۳. ایجاد اختلاف طبقاتی

۴۱ ۳-۳. عدم توزیع اموال عمومی تا پایان سال

۴۲ ۱-۳-۳. تأخیر در رفع نیاز نیازمندان

۴۲ ۲-۳-۳. افزایش قیمت

فصل چهارم

۴۵ سیره اقتصادی امام علی (ع) قبل از خلافت

۴۵ مقدمه

۴۶ ۱-۴. دوران کودکی تا ازدواج

۴۸ ۲-۴. دوران نخستین حکومت اسلامی

۵۴ ۳-۴. دوران کناره گیری از حاکمیت

۵۶ ۱-۳-۴. تولید و سازندگی

۶۴ ۲-۳-۴. کمک به نیازمندان

فصل پنجم

۷۴ اصول فلسفه ی اقتصادی امام علی (ع)

۷۴ مقدمه

۷۵ ۱-۵. خداشناسی

۷۸ ۲-۵. جهان شناسی

۷۹ ۳-۵. انسان‌شناسی

۸۱ ۴-۵. جامعه‌شناسی

فصل ششم

۸۵ سیاست‌های اقتصادی حکومت امام علی(ع)

۸۵ مقدمه

۸۶ ۱-۶. اهداف

۸۷ ۱-۱-۶. گسترش عدالت

۸۸ ۲-۱-۶. سازندگی و آبادانی

۸۹ ۳-۱-۶. حفظ قیمت‌ها

۹۱ ۲-۶. راهکارهای سیاست‌های اقتصادی در حکومت علی بن ابی طالب(ع)

۹۴ ۳-۶. سیاست‌های درآمدی و هزینه‌ای حکومت امام علی(ع)

۹۵ ۱-۳-۶. زکات

۹۸ ۲-۳-۶. خراج

فصل هفتم

۱۰۳ اقدامات و اصلاحات اقتصادی امام علی(ع) در دوران حکومت

۱۰۳ مقدمه

۱۰۴ ۱-۷. اصلاح بینش‌ها

۱۰۷ ۲-۷. اصلاح رفتار اقتصادی

۱۰۸ ۱-۲-۷. توصیه‌ی مردم به رعایت حدود الهی

۱۱۰ ۲-۲-۷. ارائه‌ی الگوی عملی به مردم

۱۱۱ ۳-۲-۷. نظارت بر معاملات و مجازات قانون‌شکنان

۱۱۲ ۳-۷. حکمرانی خوب

۱۱۳ ۱-۳-۷. برکناری کارگزاران ناصالح و انتصاب کارگزاران شایسته

۱۱۵ ۲-۳-۷. نظارت دقیق بر کارگزاران و مجازات خلافکاران

۱۱۶ ۳-۳-۷. بازپس‌گیری اموال عمومی (بیت‌المال)

۱۱۶ ۴-۳-۷. تقسیم مساوی بیت‌المال

۱۱۹..... ۵-۳-۷. تعجيل در تقسيم بيت المال

فصل هشتم

۱۲۱..... خلاصه و نتيجه

۱۳۶..... منابع و مأخذ

پیشگفتار

اراهم السبیل واقام لهم الدین اذا اعوج

راه را به مردم نشان داد و زمانی که دین دچار کجی شد آنرا راست گرداند.

علی بن ابی طالب علیه السلام شخصیتی است که هرچه درباره او سخن گویند و قلم به تحریر کشند، مخاطبان برای وقوف بیشتر از زندگی سراسر حماسه‌اش تشنه‌تر می‌گردند و کنجکاوانه در پی شناخت رفتار و گفتار و مواضع امام عارفان و امیر مجاهدان در قبال وقایع دوران و اعمال دیگران، قرار می‌گیرند. اکنون حدود چهارده قرن است که از او می‌گویند و از او می‌نویسند اما زمان قادر به کهنه کردنش نمی‌باشد. به نظر می‌رسد که هر چه زمان بیشتر می‌گذرد و هر چه مشکلات جوامع انسانی افزون‌تر می‌گردد، نیاز به شناخت او بیشتر می‌گردد. علی علیه السلام دارای ابعاد وجودی گسترده و ژرفی است که شناختن و شناساندن همه این ابعاد در یک کار پژوهشی به سادگی میسر نیست، بنابراین اگر پژوهش به شناخت و تبیین یک بعد آن همت ورزد، امید به دقت و ژرف نگری را خواهد افزود.

این تحقیق عهده دار شناخت و بررسی بعد اقتصادی زندگانی مولای متقیان است. اقتصادبخش

مهمی از زندگی انسان و جوامع امروزی را تشکیل می‌دهد و هنوز انسان‌های بسیاری از نتایج

عملکردهای اقتصادی حکومت ها و مؤسسات و بنگاه های اقتصادی و رفتار اقتصادی خود در رنجند، «سیره اقتصادی امام علی (ع)» به عنوان معیار و میزان رفتارها و برنامه های اقتصادی اگر به درستی شناخته شود و با وضعیت و شرایط کنونی تطبیق یابد می تواند بهترین دستمایه برای زدودن این رنج ها باشد.

واژه سیره در زبان عربی در اصل از ماده ی سیر (حرکت و راه رفتن) بوده و به معنای سبک و شیوه ی راه رفتن است. (پیشوایی، ۱۳۸۵: ۲۰) و در اصطلاح به کتبی گفته می شود که اخبار مربوط به شرح احوال رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) و راه و رسم آنها در رفتار و گفتار و کیفیت موضع گیری آن بزرگواران در برابر و فایع و حوادث و رخدادها را گزارش می کند. (آیینه وند، ۱۳۸۷: ۱۷۵). بنابراین سیره اقتصادی به معنای گزارش تاریخی شیوه و رفتارهای اقتصادی افراد مورد نظر می باشد.

واژه اقتصاد در مفهوم دینی با آنچه امروز با عنوان علم اقتصاد می شناسیم، متفاوت است. کلمه اقتصاد از ریشه قصد و فعل اقتصد که کلمه عربی است گرفته شده، لویس معلوف واژه قصد را در المنجد به ضد افراط و میانه روی معنی کرده است. این کلمه شش بار در آیات قرآن آمده که به معنی اعتدال و میانه روی یا رویه متوازن و متعادل استعمال شده است. به گونه ی مثال: «منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون»؛ (مائده، ۶۶) از میان آنان گروهی میانه رو هستند و بسیاری از ایشان بد رفتار اند. و یا «فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد»؛ (فاطر، ۳۲) پس برخی از آنان بر خود ستمکار اند و بری از ایشان میانه رواند. اقتصاد در معنی میانه روی، در سیره ی نبوی نیز استعمال گردیده پیامبر (ص) فرمود: «مقتصدین تهی دست نیستند و نخواهد بود. (میرآخور و الحسنی، ۱۳۷۱: ۲۹-۲۷) به همین ترتیب این واژه در روایاتی که از اهل بیت (ع) رسیده نیز به معنی میانه روی بکار رفته است.

امام علی (ع) در بیان صفات متقین آنرا به معنی میانه روی بکار برده و امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه به این مفهوم استعمال نموده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «... و

ملبسهم بالاقتصاد...»؛ پوشش آنان میانه روی است. (شریف الرضی، ۱۳۸۰: ۴۰۳). امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه می فرماید: «... و قومی بالبدل و الاقتصاد...» با بخشش و اقتصاد مرا به راه راست هدایت فرما. (صدر بلاغی، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

به هر حال واژه اقتصاد در متون دینی به معنی اعتدال و میانه روی بکار گرفته شده و طوری که معلوم می گردد، اقتصاد به این معنی خیلی وسیعتر و گسترده تر از معانی است که واژه ی یونانی آن حامل می باشد. از سوی دیگر این واژه با این معنی در ادبیات دینی بیش از آنکه حوزه ی مشخص و محدود مادی را در بر گیرد، اشارتی است به فلسفه اقتصاد.

در این پژوهش با توجه به مفهوم اقتصاد در متون دینی، از تعاریف و اصطلاحات رایج در علم اقتصاد نیز استفاده شده است.

سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱- آیا امام علی (ع) با توجه به مشکلات فراوان سیاسی و جنگ های مهم دوره حکومت خود توانسته اند به مسائل اقتصادی جامعه توجهی بایسته داشته باشند؟

۲- در سیره ی حضرت علی (ع) مسائل اقتصادی از چه جایگاهی و اهمیتی برخوردار بوده است؟

۳- بیشترین مسائل اقتصادی مورد توجه حضرت علی (ع) در دوران حکومت ایشان، کدام

مسائل است؟

۴- حضرت علی (ع) برای حل مشکلات اقتصادی از چه روش های استفاده کرده و بهره برده اند؟

پیش فرض های پژوهش:

۱- امام علی (ع) در دوران حکومت خود به مسائل اجتماعی توجه خاصی مبذول داشته و حل مسائل و مشکلات اقتصادی مردم را وظیفه حکومت دانسته و تا حد امکان در حل این مسائل کوشیده اند.

۲- امام علی (ع) در دوره حکومت خود با شیوه و راه حل های متناسب با زمان و در چهار چوب موازین دینی برگرفته از کتاب و سنت و اجتهاد خویش با مسائل اقتصادی جامعه روبرو گردیده و الگویی را ترسیم نموده اند.

پس از اتمام تحقیق و نتایج به دست آمده، پیش فرض های پژوهش با دقت و وضوح بیشتری مورد تأیید قرار می گیرد و سوالات تحقیق به شرح زیر پاسخ داده می شود:

۱- بسیاری از مشکلات دوران حکومت امام علی (ع) به خاطر دقت و توجه ی ویژه حضرت در برقراری عدالت اقتصادی و مقاوت زیاد خواهان بود.

۲- امام (ع) در زندگی شخصی خود در قبال از حکومت و همچنین در زندگی سیاسی- اجتماعی دوره ی حکومت در گفتار و کردار در مسایل اقتصادی بسیار فعال بودند.

۳- مسایلی مانند: تقسیم مساوی بیت المال، استرداد اموال غصبی، جلوگیری از سوء استفاده مالی کارگزاران حکومتی و کمک به محرومان از مهمترین اقدامات اقتصادی حضرت در دوران حکومتش می باشد.

۴- حضرت علی (ع) ریشه مشکلات اقتصادی را در بینش دنیاگرایی می دانستند و برای تغییر آن در تمام دوران زمامداری تلاش نمودند، با اسراف و تبذیر و حرام خواری مبارزه می کردند، به اجرای دقیق قانون و ترویج قانون گرایی می پرداختند و الگوی عملی رفتارهای اقتصادی را با زندگی خود به مردم ارائه می دادند.

فصل یکم

وضعیت اقتصادی اعراب قبل از ظهور اسلام

مقدمه

«ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیرذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموالصلوه فاجعل افئده من

الناس تهوی الیهم...» (ابراهیم، ۳۷)

شبه جزیره عربستان در زمان ظهور اسلام از لحاظ اقتصادی دارای شرایط خاصی بود. نمودار

اقتصادی که از آن ترسیم نموده اند، وضعیت نسبتاً ثابت و تابع شرایط جغرافیایی و طبیعی را نشان

می دهد. معمولاً اعراب را به شمالی (عدنانی) و جنوبی (قحطانی) تقسیم نموده اند.

قسمت شمالی و مرکزی که عرب های صحراگرد و بیابانی را در خود جای داده بود، به

نسبت اوضاع طبیعی و جغرافیایی خاص، یک گروه عمده و اساسی اجتماعی - اقتصادی را تشکیل

می داد. در زندگی این بخش از اعراب به تعبیر فلیپ حتی «چهار عامل بدوی، شتر، نخل و ریگزار

نقش عمده و اساسی داشت. «(حتی، ۱۳۶۶: ۳۳) عرب جنوبی یا قحطانی، بخش دیگری از نیروی اقتصادی - اجتماعی را تشکیل می داد که معمولاً به تجارت و زراعت مشغول بوده و بر خلاف صحرا گردان و بیابانی های شمالی از زندگی ثابت و با دوام شهری - روستایی برخوردار بود. این گروه ها با وجود تمامی تفاوت ها «دارای وجه مشترک سازمان قبیله ای بودند و ساختار اجتماعی - سیاسی قبیله ای بر آنان حاکم بود و خون، عصبیت، نژاد و خانواده در این سازمان اجتماعی نقش عمده و اساسی داشت.» (موتقی، ۱۳۸۱: ۶) ابن خلدون معتقد است «در جامعه ی ابتدایی عصبیت بسیار نیرومند است. ولی هرچه زندگی تمدنی وسعت گیرد و بردایره اقوام و گروه ها می افزاید از شدت عصبیت جامعه می کاهشد.» (ابن خلدون، ۱۳۳۷: ۲۵۲)

علاوه بر این جغرافیای داخلی از لحاظ تجارت بین المللی، جایگاه شبه جزیره عربستان ممتاز بود. موقعیت انحصاری شبه جزیره امکان نقطه ی وصل بودن تجاری میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را فراهم آورده و سه راه تجاری جنوب، شمال و شام - یمن باعث گردیده بود، تا مال و اموال تجاری میان روم - ایران، روم - هندوستان، حبشه، شام و یمن مبادله گردد.» (میرآخروالحسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵-۲۰۶) افزون بر آن بازارهای موسمی که در طول این راه ها توسط کاروانهای عبور کننده تشکیل می گردید، سهم تجارت و داد و ستد را در اقتصاد آنروزگار چند برابر می ساخت. وجود خانه کعبه نیز موقعیت تجاری و اقتصادی را بالا می برد، سالانه زائرین زیادی برای ادای مراسم حج به مکه می آمدند و در این دوران بازارهای موسمی و داد و ستد میان قبایل اطراف و مقیم را بیشتر می نمود. همچنان، چهار ماه حرام که زمینه جنگ و خون ریزی و برخورد های تند را منتفی می ساخت، موجب سهولت کاروان گردی و داد و ستد بازرگانی و برقراری بازارهای موسمی می گردید. به همین ترتیب «عقد پیمان حلف الفضول امنیت تجارت و بازرگانی را به اندازه کافی تضمین می نمود.» (میرآخور والحسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵-۲۰۶)

۱-۱. کشاورزی

از آن جایی که شبه جزیره عربستان از آب و هوای خشک و بیابانی برخوردار می‌باشد و از حیث نزولات آسمانی و نیز جریان آب‌های سطحی بشدت در تنگنا بوده و هست؛ طبیعتاً نباید کشاورزی پر رونقی را از آن انتظار داشت؛ قرآن کریم در سوره ی ابراهیم در دعای حضرت ابراهیم (ع) به آن اشاره می‌کند: «پروردگارا، من ذریه و فرزندان خود را به وادی بی کشت و زرعی نزد بیت الحرام تو برای برپاداشتن نماز مسکن دادم بارخدایا تو دل‌های مردمان را به سوی آنان مایل گردان...» اما باین وجود مناطق محدودی در جنوب و شرق جزیره‌العرب، مانند: یمن، یثرب، خیبر و طائف وجود داشت که به جهت فراوانی آب بنیان ثروتشان بر کشاورزی استوار بود.

متأسفانه؛ از مراجع مکتوب جاهلی، خبر چندانی از کشت و زرع و تفصیل آن در عربستان بدست ما نرسیده است؛ اما آنچه که از منابع بدست می‌آید، این است که یمن برخلاف امروز، «سرزمینی آباد بوده و به جهت کثرت درختان و میوه‌ها و کشت زارهایش به خضرا معروف بوده است». (حموی، ۱۳۹۹ق: ج ۳، ۱۰۳۵) «ادویه و حبوبات و قارچ و نیز درختان نخل و انگور و دیگر درختان میوه، عمده‌ترین محصولات زراعی یمن را، تشکیل می‌داد.» (علی، ۱۹۷۰م: ۶۷) در منطقه حجاز و یمامه، به جهت برخورداری از آب فراوان، در آن روزگار «از همه جا سرسبزتر و آبادتر و حاصلخیزتر بود و همه نوع میوه و باغ‌های شگفت و قصور بلند در آن وجود داشت.» (طبری، ۱۳۴۷ ج ۲، ۵۴۵) «از حیث کثرت درختان خرما، یمامه در حجاز نظیر نداشت.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹) «وادی- های عرض و منطقه قران نیز که از توابع یمامه بشمار می‌آمدند، نیز مملو از درختان خرما بودند.» (علی، ۱۹۷۰م: ۲۹)

در شمال یثرب نیز به برکت چشمه‌های پر آب و فراوانی آب، درختان نخل و زراعت بعمل می‌آمد. «در منطقه جوف و نیز مناطق سه گانه مهم یثرب یعنی عقیق، بطحان و قناه، همچنین، اطراف یثرب بنخاطر وجود قنات‌های پر آب، علاوه بر زراعت، نخل نیز بعمل می‌آمد.» (علی، ۱۹۷۰م: ۴۱)

طائف هم با درختان میوه انبوهش، تامین کننده اصلی میوه مکه بشمار می‌آمد. «از باغات وسیع انگور طائف، مویز و کشمش حاصل می‌آمد که به سواحل مدیترانه تجارت می‌شد.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۹)

نجد هم بنخاطر فراوانی آب، دارای درختان میوه و زمین‌های مزروعی بسیار بود. «در شرق عربستان، هجر و احساء و مناطق تابعه‌شان، از مناطق عمده کشاورزی بشمار می‌آمدند که در آن انواع سبزیجات و درختان میوه و نخل حاصل می‌شد.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۹) مناطق قطر و کاظمه و مرائض نیز از دیگر نقاط عمده کشاورزی در شرق به شمار می‌آمدند. «در عمان نخل زیاد بود و درختان موز و انار و میوه درخت سدر در حد وفور یافت می‌شد.» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۵)

۲-۱. دامداری

شرایط اقلیمی شبه جزیره، به خصوص در منطقه ی وسیع شمالی و مرکزی اعراب را وادار به برگزیدن کار شبانی و دامداری می‌کرد. «پنج ششم جمعیت بدوی و صحراگرد بودند که به چوپانی روزگار می‌گذراندند. و به اقتضای فصول سال و باران زمستان، رمه خود را از چراگاهی به چراگاهی می‌بردند.» (دورانت، ۱۳۶۶: ۴، ۲۰۰) علاوه بر پرورش انواع دام و طیور در یمن، «اعراب بدوی تهامه و نجد و نفود و شام و دهناء و بحرین به شبانی می‌زیستند.» (ضیف، ۱۳۶۴: ۸۸) این مردم به اسب توجه

بسیار داشتند اما شتر عمده دامی بود که به جهت سازگاری اش با محیط خشک صحرا در سراسر عربستان اقبالی عمومی داشت. صحرانشینان با سختی و مشقت زندگی می کردند و در فقر و تنگدستی به سر می بردند.

۳-۱. تجارت

«واذا راوا تجاره او لهوا انفضوا اليها وتركوك قائما قل ما عندالله خيرمن الهو ومن التجاره والله خيرالرازين» (جمعه، ۱۱)

تجارت در میان مردم شهرنشین، بسیار وسیع تر و گسترده تر از اعراب بادیه نشین بود، چرا که تجارت با مردم جزیره العرب و کشورهای بزرگ اطراف و نیز دیگر سرزمین های دور و نزدیک را در بر می گرفت. در این میان یمنی ها بعنوان اولین شهرنشینان شبه جزیره که در صنایع و علوم و فنون تجاری نیز تبحری تام داشتند. پیش از این تجارت در سطح وسیع آن بودند. آنان با تشکیل اولین دولت های عربی در منطقه، در توسعه تجارت کوشیدند. آنها از حاصلخیزی زمین، نزدیکی به دریا و محل ممتاز آن بر سر راه هند که بستر پیشرفت تجاری این سرزمین را فراهم می آورد، حداکثر بهره را بردند.

از تجارت دریایی اعراب جاهلی چندان اطلاعی در دست نیست؛ اما، شواهد و قراین بدست آمده نشانگر آن است که «یمنی ها قرن های متمادی در قبل و بعد میلاد بر تجارت منطقه سیادت داشتند؛ اما رفته رفته تجارت دریایشان مغلوب برتری های ناوگان دریایی روم و یونان گردید. و از آن پس تجارت های دریایی بیشتر از سوی دریانوردان رومی و یونانی و نیز دریانوردان هندی و

ایرانی صورت می‌گرفت.» (حتی، ۱۳۶۶: ج. ۱، ۷۶). دولت‌های یمنی از طریق خشکی از راه یمن تا شام را در امتداد سواحل غربی شبه جزیره می‌پیمودند، «راهی که از مکه و پترا می‌گذشت و در انتهای شمالی به جانب مصر و شام و عراق منشعب می‌گردید و در راه شام در نزدیک غزه به دریا می‌رسید. راه کاروان‌رو حضرموت که به لحاظ تجارت کندر و بخور ثروتمند شده بود، به مأرب می‌رسید و از آن جا به شاهراه بزرگ تجاری می‌پیوست؛ اما در شرق شبه جزیره وجود بندرگاه‌های بزرگ و مهمی چون مسقط، تجارت دریایی اعراب را فعال نگه داشته بود. کشتی‌های این بندر از طریق خلیج فارس تا بابل پیش می‌رفتند و طلا و قصدیر و چوب‌های خوب و عاج و صندل و ادویه و پنبه و انواع عطرها را به آنجا تجارت می‌کردند.» (حتی، ۱۳۶۶: ج. ۱، ۳۳۳) اعراب شرق شبه جزیره علاوه بر این راه دریایی، راهی را در امتداد سواحل خلیج فارس و دریای عمان می‌پیمودند و از آنجا کالا به عراق می‌فرستادند.

اعراب جنوبی در تورات و کتب یونان و روم سرزمین‌هایی ثروتمند معرفی شدند که قافله‌هایشان طلا و نقره و چوب‌های مرغوب را به مناطق شام و آشور و عراق تجارت می‌کردند. در این کتب ذکر شده که «یمنی‌ها ظروف و مصنوعات طلائی و نقره‌ای و در و پنجره‌های مرصع از عاج و طلا و نقره و دیگر سنگ‌های قیمتی و نیز عسل و شمع‌های ساخته شده از موم را به شام تجارت می‌کردند.» (علی، ۱۹۷۰م: ۲۳۵) عمده صادرات اعراب به خارج مواد خام بود که از سرزمین‌های عرب حاصل می‌آمد یا از آفریقا و هند و ماوراء هند به عربستان می‌آمد. مهمترین این مواد، انواع عطرها و پوست بود. این عطرها از سوی اعراب جنوبی به شام و مصر و عراق وارد می‌شد. «عطرها با انواع متعددش از اشجاری حاصل می‌آمدند که بعضی از آنها از هند و آفریقا وارد می‌شد و از مصر و شام به عراق صادر می‌شد. بخور و لباس‌های خوشبو نیز از پر ارزش‌ترین کالاها بودند. بخور در معابد و منازل استفاده می‌شد که خود چند نوع بود هندی و ظفاری و ... مشک و نوعی گیاه دارویی

که در تلخی همچون گیاه صبر بود برای استفاده در معابد به مصر تجارت می‌شد.» (علی، ۱۹۷۰م: ۲۳۷)

انواع دارچین‌های چینی و هندی و سیلانی از جزیره سیلان به یمن تجارت می‌شد که مطاعی با ارزش در تجارت محسوب می‌شد. یمنی‌ها جمیع ممالک افریقای شرقی را می‌شناختند و به آنجا کالا عرضه می‌کردند. « ادویه، منسوجات، شمشیر هندی، حریر چینی، برده، بوزینه، عاج، طلا و پر شتر مرغ از حبشه وارد می‌کردند و به بازار اروپا می‌رساندند.» (حتی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۶۴) آنها بقدری در تجارت چیره‌دست و ماهر بودند که هردوت می‌پنداشته که «از همه عربستان بوی عطر برمی‌خیزد و بخور و مر و فلوس و دارچین و کندر از آنجا می‌آید.» (هردوت؛ ۱۳۳۹: ج ۳، ۲۰۳-۲۰۷).

علاوه بر یمن، در شرق عربستان هم، تجار هجر و بحرین و دیگر اعراب شرق عربستان تجار قابل‌بشماری می‌آمدند. «اما خبر چندانی بدست ما نرسیده می‌دانیم که عمان یکی از بزرگ‌ترین و توانگرترین بازرگانی جهان را دارا بوده است.» (ناشناخته، ۱۳۷۲: ۴۳۰)

در حجاز، مکه شهر بازرگانی بزرگی بشمار می‌رفت. بسیاری از مردم مکه از ممر تجارت می‌زیسته‌اند. از راه‌های تجاری آنها، نخست، مسیر معروف جنوب به شمال بود، دیگری از سمت شمال به خیبر و از وسط صحرا وادی‌الرمه و بعد به حیره می‌رسید. اما گذشته از موقعیت بازرگانی، وجود کعبه در این شهر بود که در موسمی معین در هر سال اعراب را از نقطه‌های دور و نزدیک شبه جزیره به خود جذب می‌کرد و به مکه حرمت می‌بخشید و برای آن امنیت به ارمغان می‌آورد. بعد

از واقعه ی فیل؛ که قرآن مجید در سوره فیل به آن اشاره کرده است؛ «اعتبار مکه افزون گردید و حرم امن تر شد و قریش بهتر توانستند به بازرگانی خویش پردازند.» (باهر و هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۲: ۲۹)

کاروان‌های مکی «از یمن و سواحل اقیانوس هند و شرق افریقا، سقز و عطریات و بخور و پوست و جامه‌های نفیس عدنی و ادویه هندی و صمغ و عاج و برده افریقایی و از طائف مویز و کشمش و از

معادن بنی‌سلیم طلا به سواحل مدیترانه تجارت می‌کردند و از آنجا اسلحه و گندم و روغن و شراب و پارچه‌های پنبه‌ای و کتان و ابریشمی بر می‌گرداندند.» (ضیف، ۱۳۶۴: ۸۷)

قریشیان در سال دوسفر تجاری داشتند: سفر مستانی به یمن و سفر تابستانی به شام قرآن مجید می‌فرماید: «لایلاف قریش. ایلافهم رحله الشتاء والصیف. فلیعبدوا رب هذا البیت. الذی اطعمهم من جوع. و آمنهم من خوف.» (قریش، ۱-۴) این سوره نشانگر اهمیت تجارت در نزد قریش و مکیان می‌باشد. «بنای کعبه امنیت حریم آن و خوی گرفتن و احترام قبائل دور و نزدیک به بیت الحرام و پاسداران بزرگمنش آن رفت و آمدشان برای انجام مناسک از وحشت و نفرت انهناسبت به یکدیگر کاست تا آنجاکه بدون بیم و هراس، فرآورده ها و کالاهای خود را به بازارهای موسمی اطراف مکه حمل می‌کردند و بعد از انجام حج به خرید و فروش آنها می‌پرداختند، پس از آنکه این طریق زندگی رایافتند و طعم آنرا چشیدند در این اندیشه برآمدند تا میدان معاملات را وسیعتر گردانند و خود را هر چه بیشتر از آن سختی برهانند. در زمانیکه هاشم بن عبدمناف پس از آن گذشت ها و بزرگواری ها و نجات مردم مکه از گرسنگی و مرگ، نامش بلند آوازه گردید و یگانه سرور قریش و عرب شد و پیمانهای امنیتی با قبائل اطراف بست و قرارهای تجاری با حکام همجوار چون حبشه و یمن گذارد، راههای حمل کالاها به روی قریش و عرب باز گردید.» (طالقانی، بی تا: ۲۶۸)

مهمترین کالاهای تجارت قریش، « پوست دباغی شده و نقره بود که به شام تجارت می‌شد و عمده‌ترین کالایی که تجار مکی از شام به مکه تجارت می‌کردند، روغن بود.» (علی، ۱۹۷۰م: ۲۹۳)

قریش در مکه اجتماعات و بازارگاه‌هایی مانند عکاظ برپا می‌نمود. قبایل شمال و جنوب غربی برای تجارت به همراه قبایل نجد در این بازار جمع می‌شدند و راههای تجاری یمن و شام و خلیج فارس و بابل از آن می‌گذشت. این بزرگترین بازار عرب، « در نزدیک عرفات از نیمه ذی‌القعدة تا آخر این